

حمایت های اجتماعی در فرهنگ رضوی

علی سروری مجد^۱

چکیده

حمایت های اجتماعی به حکم عقل و به نقل همه شرایع آسمانی امری مقبول بلکه ضروری است. متفکران اسلامی در کتاب های اخلاقی و آموزه های رضوی به بحث های کلی و تا حدی دسته بندی موضوع ها پرداخته اند؛ اما تمرکز این مقاله بر تحلیل ابعاد یک موضوع خاص و ضروری بشر معاصر یعنی «حمایت های اجتماعی» استوار است. لذا به پاسخ این پرسش اصلی پرداخته می شود که «اصول حاکم بر حمایت های اجتماعی در فرهنگ رضوی چیست؟» بدیهی است تأکید اصلی در این مقاله بر حکمت نظری و عملی مستفاد از آموزه های رضوی است تا رابطه توحیدی و محبانه انسان با پروردگار و در راستای آن با سایر مخلوقات ترسیم شود. لذا با مراجعه مسئله محورانه به منابع دینی (قرآن و روایت های معتبر) در پی کشف و تحلیل ابعاد مسئله بوده، برای نیل به این هدف، داده های لازم از منابع کتابخانه ای گردآوری شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. روش، تحلیلی- توصیفی و شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه ای اسنادی است.

واژگان کلیدی: حمایت های اجتماعی، قرآن، عترت، فرهنگ، فرهنگ رضوی^(ع)

مقدمه

آموزه های قرآن و عترت تنها راه نجات بشر در عصر مادیت و سرگستگی است. سیره علمی و عملی امام رضا (ع) به عنوان امام معصوم و منصوب پروردگار، گنجینه های نهفته عقول و فطرت بشر را شکوفا و بارور می کند. یکی از مصادیق این شکوفایی، تبیین ابعاد حملیت های اجتماعی در فرهنگ رضوی است. بدیهی است تعالیم قرآن و عترت پر از آموزه های معرفتی و اخلاقی است که دانشمندان بزرگی به جمع آوری و دسته بندی آنها پرداخته اند. اما تحلیل آن آموزه ها نیاز به دقت و موشکافی بیشتری برای پاسخ به نیازهای روز بشری دارد.

۱ استادیار پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (asoorim@yahoo.com ؛ soroori@ricac.ac.ir)

به‌طور مشخص پژوهش مستقلی درباره حایت های اجتماعی در فرهنگ رضوی صورت نگرفته؛ اما پیرامون موضوع اخلاق و آداب رضوی، متفکران اسلامی در کتاب ها و مقاله های خود به بحث پرداخته اند. در آغاز ضروری است به تبیین واژگان مورد بحث پرداخته شود.

فرهنگ

فرهنگ فارسی معین، فرهنگ را مرکب از دو واژه «فر» و «هنگ» به معنای ادب، تربیت، دانش، علم، معرفت، آداب و رسوم تعریف کرده است (معین، ۱۳۸۷: واژه فرهنگ). برای فرهنگ، تعاریف متعددی ارائه شده که بعضی از این تعاریف، مفهوم عام و برخی دیگر مفهوم خاصی به دست می‌دهند.

با عنایت به اینکه مفهوم امروزی ن «Culture» در سده های اخیر در جامعه غرب شکل گرفته و به‌طور عارضی معادل‌هایی مانند فرهنگ در زبان فارسی یا «الثقافة» در زبان عربی برای آن گزیده شده است، این اصطلاح را باید در شمار آن دسته از اصطلاحات علوم اجتماعی به شمار آورد که حاصل تحولات بنیادین رخ داده در سبک زندگی و شیوه اندیشه‌ورزی در عصر مدرن است. این اصطلاحات در بافت همین دوره تاریخی قابل درک هستند.

با این همه می‌دانیم که فرهنگ های انسانی همواره آمادگی رابطه بینا فرهنگی و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بر دیگر فرهنگ‌ها را دارند، یعنی حفظ، رشد، تولید و تأثیرگذاری.

فرهنگ در درون خود نیز این امکان را دارد که به چندین خرده فرهنگ، تقسیم شود.

از نگاه اسلام، فرهنگ متعالی، فارق از حیات انسان و حیوان است. زیرا تجلی این توانایی‌هاست که حیات فردی و زندگی اجتماعی انسان را شکوفا می‌کند و فقدان آنها، رکود و انحطاط را در جامعه در پی دارد، به حدی که به تعبیر قرآن، مانند چارپایان یا پست تر از آنان می‌شود: «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْإِنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (اعراف / ۱۷۹).

زندگی آنان که برای رشد و تعالی خود از ابزار معرفتی و فرهنگی بهره نمی‌برند با حیات حیوانات تمایز چندانی ندارد. غفلت از این توانایی‌ها، انسان و جامعه انسانی را به پرتگاه سقوط نزدیک می‌کند و به دناوت و پلیدی می‌کشاند.

با جمع‌بندی تعاریف فرهنگ، این نتیجه به دست می‌آید: فرهنگ مجموعه‌ای از باورها، انگیزه‌ها، ارزش‌ها، آداب و رسوم است که در جامعه نهادینه شده و دارای مرز مشخص و قابل انتقال از نسلی به نسل دیگر یا از جامعه‌ای به جامعه دیگر است.

امام رضا^(ع)

امام رضا^(ع) (۲۰۳ - ۱۴۸ ق) به عنوان هشتمین امام شیعیان اثنی عشری به نص پیامبر اکرم^(ص) در حدیث لوح و نص پدران معصومش^(ع) همه خصوصیات یادشده درباره امام را داراست. بر اساس روایت امام جواد^(ع)، نام گذاری آن حضرت به «علی» و لقب «رضا» از سوی خداوند تعالی است (مفید، ۱۴۱۳ الف، ج ۲: ۲۵۱).

حضرت رضا^(ع) وارث علم نبوی^(ص) و فضائل علوی^(ع) است. کتاب های شیعه و اهل سنت، از علم، زهد، عبادت، کرامت، سیاست و حکمت بی نظیرش که از اجداد خود به عنایت الهی به ارث برده است، حکایت می کند.

شخصیت امام رضا^(ع) فراتر از ملاک های عقلی آدمیان و نصب او فرابشری است (موحدباطحی، ۱۳۸۱: ۷۶).

امام رضا^(ع) مقتدای خود را امیرالمؤمنین^(ع) می داند و می فرماید: «ان علیا امیرالمؤمنین^(ع) ... امامی و حجتی و عروتی و صراطی و دلیلی و مَحَجَّتِی ...» (همان: ۲۸ - ۲۷).

روایت های معتبر اسلامی حکایت از معجزه های حضرت رضا^(ع) می کند، نظیر معجزه های حضرت عیسی و حضرت سلیمان^(ع) (همان، ۱۴۳۰ ق: ۱۵۳ - ۶۵). عبادتش آن چنان بود که در روز اعطای جامه به دعبل خزایی شاعر اهل بیت^(ع)، فرمود در این لباس هزار رکعت نماز خوانده و هزار بار ختم قرآن کرده ام.

در میان مردم مرو، پیروان اهل بیت^(ع) بر این باور بودند که امام^(ع) می باید از سوی خداوند نصب شود و ولایت را بر عهده گیرد؛ اما دیگران می گفتند امام را نه نصب الهی، که انتخاب مردمی معین می کند و او در حقیقت وکیل امت است. امام رضا^(ع) پس از آمدن به مرو و آگاهی از این مسئله فرمودند: «امامت را شناختند تا امام را بشناسند. همان گونه که الله با الوهیت شناخته می شود، امام با امامت.» آن گاه ویژگی های امام را برشمردند: «قدر و منزلت، شأن و جایگاه امام رفیع تر از آن است که با عقول مردم سنجیده شود یا آنکه به اختیار خود برگزینند...» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۱۹۹).

عنوان «پدر»، عنوانی است که خداوند بر حضرت ابراهیم^(ع) اطلاق کرده و این عنوان که به تناسب، دارای ابعاد مختلف جسمی، معنوی و فکری است، بر شخصیت رسول اکرم^(ص) و اهل بیت^(ع) ایشان نیز قابل اطلاق است^۲ چنان که او خود و علی^(ع) را دو پدر این امت شمرده حضرت امیرالمؤمنین^(ع) در این باره نقل می کند: «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ^(ص) يَقُولُ أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ، وَ لَحَقْنَا عَلَيْهِمْ أَغْظَمُ مِنْ حَقِّ أَبَوَيْ وَلَدَتِهِمْ، فَإِنَّا نُنْقِذُهُمْ مِنْ أَطَاغُونَا - مِنَ النَّارِ إِلَى دَارِ الْقَرَارِ، وَ نُلْ حَقَّهُمْ مِنَ الْعُبُودِيَّةِ بِخِيَارِ الْأَحْرَارِ» (منسوب به امام حسن بن علی بن محمد^(ع): ۳۳۰؛ بحرانی، ۱۴۲۷، ج ۴: ۳۰۷؛ رک: ابن طاووس، به نقل از حویزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴: ۲۳۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۳: ۲۵۹).

پس از امیرالمؤمنین^(ع) به دیگر ائمه^(ع) نیز عنوان پدری، اطلاق می شود و آنان نیز چنین مسئولیت و جایگاهی را در قبال امت اسلامی و بشری دارن امام رضا^(ع) را پدر رئوف امت می شمارد: «امام ابر پر باران و باران پر برکت است، خورشید

۲ «أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲: ۸۵)

درخشان و زمین گسترده است او چشمه جوشان و باغ و برکه است امام امینی همراه است، پدری مهربان است، او برادر تنی است، در مصائب پناه بندگان است (صدوق، ۱۳۷۲، ج ۱: ۴۵۰):

بنا به فرموده امام رضا^(ع):

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا^(ع) قَالَ لِلْإِمَامِ عَلَامَاتٌ يَكُونُ أَعْلَمَ النَّاسِ وَأَحْكَمُ النَّاسِ وَأَتْقَى النَّاسِ وَأَحْلَمَ النَّاسِ وَأَشْجَعُ النَّاسِ وَأَسْخَى النَّاسِ وَأَعْبَدَ النَّاسِ. وَيَكُونُ أَوَّلَى النَّاسِ مِنْهُمْ بِأَنْفُسِهِمْ وَأَشْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَأُمَّهَاتِهِمْ وَيَكُونُ أَشَدَّ النَّاسِ تَوَاضُعًا لِلَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَيَكُونُ أَخَذَ النَّاسِ بِمَا يَأْمُرُ بِهِ وَأَكْفَى النَّاسِ عَمَّا يَنْهَى عَنْهُ وَيَكُونُ دُعَاؤُهُ مُسْتَجَابًا حَتَّى إِنَّهُ لَوْ دَعَا عَلَى صَخْرَةٍ لَأَنْشَقَّتْ فَيُخْرِجُ يَكُونُ عِنْدَهُ سِلَاحُ رَسُولِ اللَّهِ^(ص) وَ سَيْفُهُ ذُو الْفَقَارِ وَيَكُونُ عِنْدَهُ صَحِيفَةٌ يَكُونُ فِيهَا أَسْمَاءُ شَيْئِكُلِّ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ...؛ امام نه تنها داناترین، حکیمترین، متقیترین، بردبارترین، شجاعترین، با سخاوتمندترین و عابدترین مردم است؛ بلکه از پدر و مادر آنان به خودشان مهربانتر است... (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۴۱۹-۴۱۸).

فرهنگ رضوی

فرهنگ رضوی مجموعه آموزه های امام رضا^(ع) و پدران پاک و معصومش تا پیامبر اکرم^(ص) در حکمت نظری و عملی است. این تعالیم، همتای آموزه های قرآن کریم، مبین آیه ها و تجسم عینی و عملی آن است. از آنجا که ائمه^(ع) نور واحدند (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲: ۵۸؛ صفار، ۱۴۰۴ ق: ۵۷؛ ابن رستم طبری، ۱۴۱۵ق: ۶۳۰) گفتار و رفتار امام رضا^(ع) جدای از سایر معصومان نیست؛ بلکه در یک منظومه هماهنگ و به هم پیوسته قرار دارد. بنابراین، مجموعه آموزه های قرآن و عترت را با تأکید بر گفتار و رفتار امام رضا^(ع) «فرهنگ رضوی» می نامیم؛ فرهنگی که امام رضا^(ع) با حکمت و تدبیر از آن پاسداری کرد و در آن راه به شهادت رسید. فرهنگی که آدمی را در جاذبه هدف اعلای حیات به تکاپو وامی دارد و تمدن اصیل را برای بشریت به ارمغان می آورد. این تمدن اصیل جز در پرتو امامت عترت پاک پیامبر اکرم^(ص) تحقق پیدا نمی کند. امام رضا^(ع) «امام» را پدر رئوف امت می شمارند: «امام ابر پر باران و باران پر برکت است، خورشید درخشان و زمین گسترده است. او چشمه جوشان و باغ و برکه است. امام امینی است همراه، پدری است مهربان، برادر تنی و در مصائب پناه بندگان است» (صدوق، ۱۳۷۲، ج ۱: ۴۵۰) بنا به فرموده امام رضا^(ع)، امام نه تنها داناترین، حکیم ترین، متقی ترین، بردبارترین، شجاع ترین، با سخاوت ترین و عابدترین مردم است؛ بلکه از پدر و مادر آنان به خودشان مهربان تر است.

حمایت اجتماعی

حمایت اجتماعی^۳ عبارت است از میزان برخورداری از محبت، احسان و توجه اعضای خانواده، دوستان و سایر افراد و نهادهای اجتماعی. حمایت واقعی عبارت از نوع و فراوانی تعاملات حمایتی خاصی است که فرد در روابط اجتماعی در قالب آن‌ها کمک‌های ابزاری، عاطفی و اطلاعاتی را از دیگران دریافت می‌کند. «افراد براساس روابط اجتماعی و نوع پیوندهایی که دارند از منابع حمایتی برای برطرف کردن نیازهایشان استفاده می‌کنند. به طوری که هر اندازه روابط اجتماعی گسترده‌تر باشد میزان دسترسی به منابع حمایتی را بیشتر می‌کند و احتمالاً این منابع حمایت اجتماعی می‌تواند حوادث منفی زندگی را کاهش داده و به مثابه چتر دفاعی در مقابل عوام ل استرس زای زندگی اجتماعی عمل کند.» (دلپسند و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۹)

اصول حاکم بر حمایت‌های اجتماعی در فرهنگ رضوی به اختصار به این شرح است:

۱. توحید محوری

امام رضا^(ع) از پدران گرامیشان از مناجات موسای کلیم با پروردگار نقل می‌فرمایند: «خداوند فرمود مرا در تمام حالات یاد کن» (چراکه او نزدیک و در همه حال شاهد و ناظر بنده خویش است):

عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا^(ع) عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ^(ع) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ^(ص) إِنَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ لَمَّا نَجَّى رَبَّهُ قَالَ يَا رَبِّ أَبْعِدْهُنَّ مِنِّي فَأُنَادِيكَ أَمْ قَرِيبٌ فَأُنَادِيكَ فَأَوْحَى اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ إِلَيْهِ أَنَا جَلِيسٌ مَنْ ذَكَرَنِي فَقَالَ مُوسَى يَا رَبِّ إِنِّي أَكُونُ فِي حَالٍ أُجَلِّكَ أَنْ أَذْكُرَكَ فِيهَا فَقَالَ يَا مُوسَى اذْكُرْنِي عَلَى كُلِّ حَالٍ (صدوق، ۱۳۹۸ق: ۱۸۲).

بدیهی است مراد از ذکر، تمام مراتب آن است.

خداوند به پیامبرش^(ص) در حدیث قدسی می‌فرماید: همت را یک چیز قرار بده. زبان، بدن، اندیشه و انگیزه ات را الهی کن. اگر دل به خدا دادی دیگر نگران چیزی مباش. عقلت را در راه خدا به کار گیر. اهل یقین، حسن خلق، سخاوت و رحمت بر خلق باش:

يَا أَحْمَدُ اجْعَلْ هَمَّكَ وَاحِدًا فَاجْعَلْ لِسَانَكَ وَاحِدًا وَاجْعَلْ بَدَنَكَ حَيًّا لَا تَغْفُلُ أَبَدًا مَنْ غَفَلَ عَنِّي لَا أَبَالِي بِأَيِّ وَادٍ هَلَكَ يَا أَحْمَدُ اسْتَغْمِلْ عَقْلَكَ قَبْلَ أَنْ يَذْهَبَ فَمَنْ اسْتَغْمِلَ عَقْلَهُ لَا يَخْطِئُ وَلَا يَطْغَى يَا أَحْمَدُ أَنْتَ لَا تَغْفُلُ أَبَدًا مَنْ غَفَلَ عَنِّي لَا أَبَالِي بِأَيِّ وَادٍ هَلَكَ يَا أَحْمَدُ هَلْ تَذَرِي لِأَيِّ شَيْءٍ فَضَلَّتْكَ عَلَى سَائِرِ الْأَنْبِيَاءِ قَالَ اللَّهُمَّ لَا قَالَ بِالْيَقِينِ وَحُسْنِ الْخُلُقِ وَسَخَاوَةِ النَّفْسِ وَرَحْمَةِ الْخَلْقِ وَكَذَلِكَ أَوْثَاذُ الْأَرْضِ لَمْ يَكُونُوا أَوْثَادًا إِلَّا بِهَذَا (فيض، ۱۴۰۶ق، ج ۲۶: ۱۵۰؛ دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۲۰۵).

³ Social support

در راستای عشق و محبت به پروردگار، محبت به اولیای او شکل می گیرد. امام رضا^(ع) در نوشته ای به یونس بن بکر این گونه آموزش می دهند که هنگام درخواست از خداوند، به پیامبر^(ص) و اهل بیتش^(ع) متوسل شو، چراکه در اثر عدم ولایت و اقرار به امامت و فضایل ایشان، حتی اعمال نیکو هم پذیرفته نمی شود:

اللَّهُمَّ فَإِنِّي أُوْفِي وَأُشْهِدُ وَأَقِرُّ وَلَا أَنْكُرُ وَلَا أَجْحُدُّ، وَأُسِرُّ وَأَعْلِنُ وَأُظْهِرُّ وَأُبْطِنُ، بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ^(ص) وَأَنْ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَوَارِثَ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ، عِلْمُ الدِّينِ، وَمُبِيرَ الْمُشْرِكِينَ وَمُمَيِّزَ الْمُتَنَافِقِينَ وَمُجَاهِدَ الْمَارِقِينَ وَإِمَامِي وَحُجَّتِي وَغُرَّتِي وَصِرَاطِي وَدَلِيلِي وَمَحَجَّتِي وَمَنْ لَا أُثِقُ بِأَعْمَالِي وَلَا زَكَّتْ وَلَا أَرَاهَا مُنْجِيَّةً لِي وَلَا صَلَحَتْ، إِلَّا بِوَلَايَتِهِ وَالْإِثْمَامِ بِهِ وَالْإِقْرَارِ بِفَضْلَيْهِ ... اللَّهُمَّ بَتَوَسُّلِي بِهِمْ إِلَيْكَ وَتَقَرُّبِي بِمَحَبَّتِهِمْ وَتَحَصُّنِي بِإِمَامَتِهِمْ، افْتَحْ عَلَيَّ فِي هَذَا الْيَوْمِ أَبْوَابَ رِزْقِكَ وَانْشُرْ لِي رَحْمَتَكَ وَحَبْنِي إِلَى خَلْقِكَ، وَجَنِّبْنِي بُغْضَهُمْ وَعَدَاوَتَهُمْ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ... (ابن طاووس، ۱۴۱۱ق: ۳۰۳، مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۴: ۳۴۷، ح ۴؛ احمدی میانجی، ۱۴۲۶ق، ج ۵: ۲۴۰).

بنابراین در فرهنگ رضوی، در امتداد عشق به خداوند و یقین به او، ولایت اهل بیت^(ع) و در ذیل ولایت ایشان، محبت به خلق قرار می گیرد.

۲. شکوفایی عقلی

حکما، عقل را به عقل نظری و عملی تقسیم کردند. عقل نظری، ناظر به هستا و نیستهاست و عقل عملی، ناظر به بایدها و نبایدها. یکی از ویژگی های جامعه آرمانی که امام بوجود می آورد، شکوفایی عقل هم در بُعد نظری است و هم در بُعد عملی، هم تعالی اندیشه ها، هم تعالی انگیزه ها و رفتارها

عقل، محبوب ترین مخلوق و مخاطب خداوند در انجام تکالیف است^۴ در روایت سوم از کتاب عقل و جهل اصول کافی، عقل وسیله پرستش خدا و بهست آوردن بهشت معرفی شده است^۵ در حدیث چهاردهم آن کتاب، ۷۵ خصوصیت و اثر آن به نام لشکر عقل بیان شده است. پس عاقل کامل کسی است که آن اثر در او باشد و در برابر اوامر و نواهی خالق و پروردگارش کاملاً مطیع و فرمانبردار امام رضا^(ع)، دوست هر کسی را عقل و دشمنش را جهل می دانند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱۱، حدیث ۴). کيفر پاداش مردم در روز جزا به مقدار عقل ایشان است^۶ (همان، ج: ۱، ۲۳ - ۲۱). عقل، آنچنان انسان را رشد می دهد که عاقل خوابیده از جاهل شب زنده، برتر دانسته شده است

۴. أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: «لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ اسْتَنْطَقَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَذْبِرْ فَأَذْبَرَ ثُمَّ قَالَ وَ عَزَّتِي وَ جَلَّالِي خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْكَ وَ لَا أَكْمَلْتُكَ إِلَّا فِيمَنْ أَحَبُّ أَمَّا إِيَّيْ إِيَّاكَ أَمْرٌ وَ إِيَّاكَ أَنْهَى وَ إِيَّاكَ أَغَايِبُ وَ إِيَّاكَ أَثْبِتُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج: ۱، ۱۰، حدیث ۱).
۵. قُلْتُ لَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) مَا الْعَقْلُ قَالَ «مَا غِيَدُ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اكْتَسَبَ بِهِ الْجَنَّةَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج: ۱، حدیث ۳).

در اثر شکوفایی عقلی، انسانها مبدأ و منتهای خود را شناخته، به هدف از زندگی و غایت آن باور پیدا می کنند . هم نیازمندان خود را گم نمی کنند هم توانمندان وظیفه خود را می شناسند نیازمندان با صبوری تلاش، توکل و قناعت پیشه می کنند؛ و توانمندان شاکرانه و قانعانه از ناتوانان دستگیری و آنان را رشد می دهند

امام رضا(ع) از پیامبر اکرم(ص) نقل می کنند: قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص «رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ التَّوَدُّ إِلَى النَّاسِ وَاصْطِنَاعُ الْخَيْرِ إِلَى كُلِّ بَرٍّ وَفَاجِرٍ» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۵؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۳۷) بالاترین درجه خردمندی پس از ایمان به خدا، مودت با مردم و نیکی به هر نیکوکار و فاجر است . چند نکته در این حدیث قابل توجه است ۱- مسأله توحید و ایمان به پروردگار بالاترین درجه عقل است. این موضوع پاسخی است به کسانی است که ایمان را از سنخ امور عقلی نمی دانند بنابراین عاقل ترین مردم در فرهنگ قرآن و عترت موحدانند- پس از توحید عشق به مردم و ابراز زبانی و عملی آن که یکی از مصادیق مهمش حمایت های اجتماعی است؛ قرار می گیرد. ۳- عشق و احسان به خلق انحصاری به نیکی کردن به خواص ندارد؛ بلکه در ذیل رحمانیت پروردگار نیکی کردن به همه مخلوقات قرار می گیرد

۳. احسان به خلق

قرآن کریم در آیات متعددی به موضوع اخوت انسانی اشاره کرده است. برای نمونه آنجا که از امت های انبیای گذشته که موحد نبودند سخن گفته، حضرت صالح، حضرت شعیب و حضرت هود^(ع) را با تعبیر لطیف برادر، معرفی کرده است: «وَالِیْ تَمُوذَ أَخَاهُم صَالِحًا» (اعراف / ۷۳)؛ «وَالِیْ مَدَیْنَ أَخَاهُم شُعَیْبًا» (اعراف / ۸۵)؛ «وَالِیْ عَادٍ أَخَاهُم هُوْدًا» (اعراف / ۶۵).

امیرمؤمنان^(ع) در عهدنامه مالک اشتر به موضوع اخوت و همانندی در آفرینش اشاره کرده و عمل به مقتضای آن را مورد تأکید قرار داده است: «ای مالک، قلبت را از رحمت، محبت و لطف بر مردم پر کن و نسبت به آنان درنده ای خون خوار مباش که خوردن آنان را غنیمت بشماری، زیرا مردم دو صنف اند: یا برادر دینی تو هستند یا مانند تو در خلقت (همنوع تو).»^۶ بنابراین اخوت را می توان هم به معنای عام گرفت (اخوت انسانی) که عبارت است از رفتار مسالمت آمیز و دلسوزانه با دیگر انسان ها (البته تا جایی که آنان با آیین حق دست به دشمنی و عناد نزده باشند). و هم به معنای خاص که همان اخوت ویژه میان مؤمنان است که در سوره حجرات با ادات حصر بیان شده: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات / ۱۰) یا در سوره فتح بیان شده که مؤمنان اگرچه در برابر کفار سرسخت و شدیداند اما در میان خود

۶ «أَشْعُرُ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِمْ وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِبًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ» فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ ..» (سیدرضی، ۱۴۱۴، نامه ۵۳، بند ۹ - ۸).

مهربانند.^۷ صاحب تفسیر مجمع البیان نقل می کند آن چنان مؤمنان از کفار تنفر داشتند که حتی از لباس و بدن آنان دوری می کردند؛ اما هر وقت به مؤمنان می رسیدند دست می دادند و روبوسی می کردند، «اذله علی المومنین اعزّه علی الکافرین» (مائده / ۵۴).

گفتار و رفتار پیامبر (ص) نیز درباره مطلب یادشده می تواند چهره اسلام را به خوبی بنمایاند. وجود مبارک نبی گرامی (ص) جوامع بشری را همتای هم و در کنار هم بر اساس اصول مشترک انسانی با محور تعلیم و تربیت قرار می دهد و می فرماید: «الناس كأسنان المشط سواء؛ طبقات مختلف مردم مانند دندانهای شانه اند» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۳۷۹). اینجا سخن از مؤمن و مسلم نیست؛ بلکه سخن از مردم و ناس است، پس اقشار گوناگون مردم مانند دندانهای یک شانه هستند که باید کنار هم با فاصله ای کم، صف ببندند. «شانه اگر بخواهد غبار از سر و روی برطرف کند و موی را شانه بزند و تعدیل کند، باید دندانهایش کنار هم با فاصله اندک منظم چیده شوند. ممکن است بعضی از این دندانها، باریک و بعضی تنومند و قوی باشند؛ ولی فاصله اندک است و قابل تحمل» (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۴۳).

در بحث احسان به خلق، بدیهی است سفارش و تأکید فرهنگ رضوی نسبت به نیکی به بستگان درجه یک و همسایگان از اولویت بیشتری برخوردار است (رک: جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۳۴۷-۳۴۱). امیرالمؤمنین (ع) در عهدنامه مالک اشتر با ندای جهانی خویش، رواج محبت، لطف و احسان در میان بندگان خدا را، توصیه و مطالبه می فرماید: «... أَشْعِرُ قَلْبِكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِمْ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۱۲۶).

در عبارت حضرت به مالک اشتر، «أَشْعِرُ قَلْبِكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ...» آمده؛ یعنی در لباسی که روی قلبت را می پوشاند و هیچ فاصله ای بین آن و قلبت نیست، سه چیز باید باشد: ۱. الرَّحْمَةُ لِلرَّعِيَّةِ؛ ۲. الْمَحَبَّةُ لَهُمْ؛ ۳. اللَّطْفُ بِهِمْ.

هر کدام، عامل دیگری است: رحمت عامل محبت و محبت عامل لطف.

امام رضا (ع) به عنوان امام متقیان می فرماید:

به خدا سوگند وقتی در مدینه بودم بر مرکب خود سوار می شدم و در میان شهر و بیرون شهر رفت و آمد می کردم. مردم مدینه حوائج و گرفتاری های خود را به من می گفتند و من نیز نیازهای ایشان را برآورده می ساختم. به این ترتیب، من و آنها مثل دوست و خویشاوند، رابطه داشتیم (صدوق، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۶۷).

^۷ «مَحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيَّمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سَوَاقِهِ يَعْجِبُ الزُّرَّاعُ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (فتح/ ۲۹).

احسان به خلق انواع گوناگونی دارد که یکی از آنها احسان مالی است. خداوند یکی از پیام های نوح^(ع) به قومش را این چنین بیان می کند: «وَيُمَدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا» (نوح/۱۲) و شما را به اموال و پسران یاری کند و برایتان باغ ها قرار دهد و نهرها پدید آورد. «پر واضح است که خداوند به مال عنایت دارد؛ زیرا آن را وسیله امداد و کمک به دیگران قرار داده است.» (فعالی، ۱۳۹۲: ۷۷)

امام صادق(ع) درباره مال می فرمایند: «اعلم أن الله تعالى قد سمى المال خيرا في مواضع فقال إن ترك خيرا الوصيه» (ورام، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۵۸) بدان که خداوند مال را «خیر» نامیده است.

راوی می گوید: «با جمعی بسیار خدمت حضرت رضا بودیم که در راه مانده ای آمد و چنین گفت: یا بن رسول الله! من دوست شما و پدران شما هستم. نفقه‌ی خود را در راه حج گم کرده ام. نفقه‌ی راه به من عنایت کنید، چون به خراسان رسیدم برای شما صدقه می دهم؛ زیرا آنجا مکنت دارم. حضرت رضا^(ع) داخل اتاق شده پس از چندی از بالای در، دویست دینار به او داد و خواهش کرد برود و فرمود: لازم نیست صدقه بدهی! چون حضرت آمد، از ایشان پرسیدند: پول را از بالای در دادید و خواهش نمودید که برود تا او را نبینید. فرمود: می‌خواستم ذلت سؤال را در صورت او نبینم. آیا نشنیده‌اید که رسول اکرم فرموده است: صدقه‌ی پنهانی، معادل هفتاد حج است، و گناه آشکار موجب خذلان، و گناه پنهانی را خداوند می‌آمرزد.» (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹، ج ۴: ۳۶۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲: ۲۸).

ابوحمزہ ثمالی درباره امام سجاد^(ع) نقل می کند که به کنیزشان فرمودند: «هر سائلی را که عبور کرد اطعام کنید ... تا مبادا مانند آنچه بر یعقوب^(ع) و خاندانش وارد شد بر ما هم نازل شود...» (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۵).

شیخ صدوق در عیون اخبارالرضا^(ع) درباره داوری امام رضا^(ع) آورده است:

یاسر می گوید: نامه‌ای (به این مضمون) از نیشابور به مأمون رسید: مردی مجوس هنگام مرگ وصیت کرده است مال زیادی را از اموال او میان بینوایان و تهیدستان تقسیم کنند؛ اما قاضی نیشابور آن اموال را میان مسلمانان تقسیم کرده است. مأمون به امام رضا^(ع) گفت: ای سرور من در این موضوع چه می گویی؟ امام^(ع) فرمودند: مجوسیان به بینوایان مسلمان چیزی نمی دهند، نامه‌ای به قاضی نیشابور بنویس تا همان مقدار، از مالیات های مسلمانان بردارد و به بینوایان مجوس بدهد (صدوق، ۱۳۷۲، ج ۱: ۶۷۴).

اتفاق به عنوان نمادی از محبت در راه خدا مورد تأکید فراوان قرآن قرار گرفته است. قرآن بارها پس از تأکید بر اقامه نماز به پرداخت های مالی، امر می فرماید: «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ» (حج/ ۴۱)؛ «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (بقره/ ۳).

امام رضا^(ع) در نامه‌ای به فرزند دلبندشان جوادالائمه^(ع) می‌نویسند:

فرزندم به اطلاع رسیده هنگامی که تو را از منزل می‌برند از در کوچک خارج می‌کنند. اما مگر نباید ورود و خروجت از در بزرگ باشد؛ پس هنگامی که می‌روی باید همراهت طلا و نقره باشد تا هرگاه کسی از تو چیزی درخواست کرد؛ ببخشی. ... ببخش! و از خدای دارای عرش، نگران فقر مباش (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۴۳، ح ۵؛ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۱، ح ۲۰؛ احمدی میانجی، ۱۴۲۶ق، ج ۵: ۲۶۰).

بخشش مالی که یکی از شعبه‌های احسان به خلق است، شعاعی از رحمت رحمانی خداوند است که در انسان و جامعه موحد و پرهیزکار جلوه می‌کند.

۴. عدالت

عدالت به عنوان نقطه عزیمت اعتلای اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، مقدم بر همه آنها است، چرا که خداوند، هستی را بر اساس حق و عدل بنا نهاده است^۹ و به تعبیر امیرالمؤمنین^(ع) عدل مایه حیات بشر است^{۱۰} و اصلاح امور مردم جز با عدل امکان‌پذیر نیست^{۱۱}.

عدالت، در اسلام از چنان اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که در زمره اهداف بعثت انبیا قرار دارد و از دیرباز انسان‌های فرهیخته و آزاده شیفته عدالت بوده‌اند و تشنه اجرای آن. لیکن سخن در آن است که عدالت چیست؟ عدالت، در لغت به معنای برابری، استقامت و راست کردن کژی و اعوجاج، انصاف، حد وسط میان امور و مفهومی است در مقابل ظلم و جور (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۳۶).

در تعاریف مختلف، عدل همواره با دو مفهوم ارتباطی تنگاتنگ دارد: استحقاق و مساوات. این دو مفهوم می‌توانند در قوام بخشیدن به معنای عدالت - در تعاریف مختلف - نقش کلیدی ایفا نمایند.

در طیف وسیعی از کاربردها در نصوص، مفهوم عدالت در ارتباط ویتق و مستقیم با مفهوم حق و به تبع آن، با مفهوم استحقاق قرار گرفته است. از موارد این پیوستگی می‌توان به حدیث مشهوری از زبان پلمبر اکرم (ص) اشاره کرد که در آن «إِعْطَاءُ كُلِّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ»^{۱۲} به عنوان ارزش کلی و دستور عمل مسلمانان دانسته شده است و باید توجه داشت عین همین تعبیر در تعاریف مختلف از عدالت دیده می‌شود. صورت دیگری از تعریف عدالت، عبارت است از قرار دادن امور در مواضع خود، به مثابه حدیثی از زبان امام امیرالمؤمنین (ع) (سید رضی، ۱۴۱۴ق: ح ۴۳۷).

عدالت، به طور کلی، یک نظام تعاملی است که در کنار آن، مفهومی به عنوان مسئولیت مشترک شکل می‌گیرد^{۱۳}. چنین مسئولیت مشترکی که به تحقق عدالت می‌انجامد، جز با همدلی و اطاعت افراد از ولی خدا معنا نمی‌یابد. این مسئولیت مشترک امری است که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در نصوص اسلامی قابل پیگیری است. یکی از مهم‌ترین اشارات به این امر در آیه زیر دیده می‌شود: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند...» (حدید/ ۲۵).

آنچه در این آیه مورد استشهاد است، تکیه قرآن کریم بر این است که فاعل قیام بر قسط، مردم هستند و تمامی تمهیدات، از فرستادن پلمبران و نازل کردن کتب، برای آن است تا مردم خود به بر پا داشتن قسط برخیزند. امام رضا^(ع) می‌فرماید: «إِسْتِعْمَالُ الْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ مُؤْذِنٌ بِدَوَامِ النِّعْمَةِ»: عدالت‌ورزی و نیکوکاری، عامل پایداری نعمت هاست» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۴). این فرمایش حضرت^(ع) مستفاد از آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل / ۹۰) است. کسی که به عدالت رفتار کند، حق هر ذی حقی را ادا کرده است. پس هرگاه چنین شد، آنچنان که شکر نعمت سبب فزونی آن می‌گردد، رفتار عادلانه هم موجب دوام نعمت می‌شود. البته امر به احسان در قرآن و فرمایش حضرت^(ع) فراتر از اجرای عدالت است که خود بحث جداگانه‌ای را طلب می‌کند.

مهم‌ترین ابعاد عدالت در فرهنگ رضوی عبارتند از: عدالت اقتصادی، عدالت فرهنگی، عدالت اجتماعی، عدالت داوری.

بنابراین، چون عدالت نقطه عزیمت اعتلای اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مقدم بر همه آنها است؛ حمایت اجتماعی بدون مبنای عدالت امکان‌پذیر نخواهد بود.

۵. توانمندسازی

اگرچه موضوع توانمندسازی بحث مستقلی را در فرهنگ رضوی می‌طلبد؛ اما حمایت اجتماعی بدون توانمندسازی معنا پیدا نمی‌کند. توانمندسازی را می‌توان در چند بعد خلاصه کرد: ۱- هدف‌داری ۲- خودباوری ۳- آموزش مهارتها

انسان بی هدف اگر مهارت هم بداند دچار سرگستگی و پوچی و ناامیدی می‌شود؛ شور، نشاط و بالندگی و پویایی در خود احساس نمی‌کند. لذا اگر مهارت‌های خود را بکار گیرد پس از مدتی احساس می‌کند که گویی هیچ نمی‌داند. خود را موجودی زائد و عاطل می‌یابد.

اگر حس خودباری هم در فرد یا جامعه ای شکوفا نشود استعدادها و حتی مهارت‌های او هم نتیجه بخش نخواهد بود. لذا در کنار دو عنصر یادشده ضروری است مهارت‌های لازم و ضروری از آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها گرفته تا سایر دستگاه‌های فرهنگ ساز مانند صدا و سیما، مساجد، کمیته امداد، بهزیستی و ... به این امر اهتمام جدی ورزند و اساساً به یک انقلاب فرهنگی در هر سه بعد یاد دست بزنند تا نهایتاً نسلی هدفمند، خودباور و توانا تربیت شود. چه بسا افراد و جوامعی دارای امکانات وسیعی اند؛ اما چون از بعضی یا تمام عناصر یادشده بی بهره اند؛ دچار فقر و آسیب‌های اجتماعی شده و به تعبیر امیرالمومنین^(ع) از رحمت خدا به دور اند: «من وجد ماء و تراباً ثم افتقر فابعده الله» (حمیری، ۱۴۱۳: ۱۱۵)

امام رضا^(ع) می فرماید درخواست هفت چیز از خدا بدون هفت چیز دیگر استهزاء خویشتن است. یکی از آن درخواست‌ها توفیق است که بدون تلاش و کوشش بی نتیجه و استهزاء خویش است: قال الرضا^(ع): «سبعة أشياء بغیر سبعة أشياء من الاستهزاء ... و من سأل الله التوفيق و لم یجتهد فقد استهزأ بنفسه ...» (ورام، ۱۴۱۰، ج ۲: ۱۱۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵: ۳۵۶؛ عطاردی، ۱۴۰۶، ج ۱، ۲۸۳) بنابراین ایجاد خودباوری و فرهنگ تلاش و کوشش (به تعبیر حضرت رضا^(ع): مجاهدت) اساسی ترین ابزار توانمند سازی در جهت حمایت های اجتماعی خواهد بود.

سخن آخر

چون آنچه بیان شد در منظومه معارف و فرهنگ رضوی است که در رأس آن توحید محوری قرار دارد؛ و خداوند انسان را بر پایه کرامت آفریده^۸ و خود معلم کرامت است^۹؛ حمایت های اجتماعی در این فرهنگ برپایه کرامت انسانی شکل گرفته و به مرحله اجرا و تکامل در می آید.

در این فرهنگ به تأسی از قرآن، انسان دارای بُعد ملکوتی و حی متأله است. لذا باید آنچنان جنبه ملکوتی انسان محترم دانسته شود؛ تا خدشه ای نیابد.

جامعه اسلامی به دلیل امتیاز خاصی که نسبت به سایر جوامع دارد؛ ضروری است از هرگونه زشتی و ناراستی مبرا باشد؛ چرا که اساساً چنین جامعه ای با سایر جوامع قابل مقایسه نیست. امام صادق(ع) به شقران فرمودند: «يَا شُقْرَانُ إِنَّ الْحَسَنَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ حَسَنٌ وَإِنَّهُ مِنْكَ أَحْسَنُ لِمَكَانِكَ مِنَّا وَإِنَّ الْقَبِيحَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ قَبِيحٌ وَإِنَّهُ مِنْكَ أَقْبَحُ ..» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴: ۲۳۶؛ موحد ابطحی، ۱۴۱۳، ج ۲۰: ۷۲۵) نیکی از هر فردی پسندیده است؛ و از شیعیان پسندیده تر؛ و

^۸ «لقد کرّمنا بنی آدم و حملناه فی البر و البحر و فضلناه علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً» (الاسراء/ ۷۰)

^۹ «افراء و ربک الاکرم» الذی علم بالقلم» علم الانسان ما لم یعلم» (العلق/ ۵-۳)

بدی از هر کسی ناپسند است و از شیعیان ناپسندتر . بنابر این موضوع حمایت های اجتماعی و وظیفه دولت، نهادهای عمومی و تک تک افراد را سنگین تر می کند.

نتیجه گیری

فرهنگ رضوی که همان فرهنگ قرآن و عترت است و در گفتار و رفتار سراسر عصمت امام منصوب پروردگار، امام رضا^(ع) تجلی پیدا کرده، آکنده از آموزه های حیات بخش جوامع بشری است. امام رضا^(ع) مظهر ربوبیت پروردگارست تا گوهر وجودی انسان ها را تربیت کند. یکی از آموزه های مهم ایشان، رشد و کمال بخشی حمایت های اجتماعی در روح آدمیان است. در این مقاله، ضمن بیان مفهوم حمایت اجتماعی، به ابعاد آن پرداخته شد. مهم ترین این ابعاد، توحید محوری، عشق و اخلاص نسبت به پروردگارست. حب به پروردگار نه تنها امری فطری بوده، بلکه اساس دین بر محبت استوار است و نشانه اهل ایمان به شمار می رود. در فرهنگ رضوی، اندیشه و انگیزه انسان بر محور توحید و عشق به ذات ربوبی قرار دارد.

از آنجا که جهان بر محور رحمت رحمانیه پروردگار برپا شده و انسان به سبب برخورداری از روح الهی دارای شعاعی از رحمت اوست، انسان تربیت یافته در فرهنگ رضوی با انتخاب آگاهانه خویش، در نقطه اعلای محبت، حب به پروردگار، عشق به اولیای او و اقرار به ولایت، امامت و فضائل ایشان و در ذیل آن، احسان به مخلوقات و انسان ها، اعم از مسلمان یا غیرمسلمان، زنده یا مرده را سرلوحه اندیشه و عمل خود قرار می دهد. در این فرهنگ، محبت و احسان به بستگان درجه اول واجب شمرده می شود و سایر انسان ها در درجه های بعد قرار می گیرند.

بعد دیگر حمایت های اجتماعی، در فرهنگ رضوی رشد و شکوفایی عقلی انسانهاست. با شکوفایی عقلی توحید محور تمام اندیشه ها و رفتارها قرار می گیرد. فرد و جامعه به خداوند توکل و دنیا را سرای آزمون می دانند. در شداوند صبوری پیشه می کنند و بر این باورند که همانا همراه عسر و دشواری، یسر و آسایش هم خواهد بود. ناتوان با قناعت، تدبیر، تلاش و توکل درصدد رفع ناتوانی است؛ و توانا شاکرانه در خدمت حل مشکلات ناتوان.

در فرهنگ رضوی، عدالت در حمایت های اجتماعی و توانمند سازی محرومان، ابعاد مهم دیگری را نیز تشکیل

می دهند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، علی بن حسین، (۱۴۰۴). *الإمامة و التبصرة من الحيرة*، قم: مدرسة الإمام المهدي عج
۲. ابن رستم طبری آملی کبیر، محمد بن جریر، (۱۴۱۵ق). *المسترشد فی الامامة*. قم: کوشانپور.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴ق/۱۳۶۳ش). *تحف العقول عن آل الرسول (ص)*. قم: اسلامی.
۴. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، (۱۳۷۹). *مناقب آل أبی طالب ع*، قم: علامه
۵. ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۴۱۱ق). *مهج الدعوات و منهج العبادات*. قم: دارالذخائر.
۶. احمدی میانجی، علی، (۱۴۲۶ق). *مکاتیب الأئمة (ع)*. قم: دارالحديث.
۷. بحرانی، سید هاشم، (۱۴۲۷ق). *البرهان فی تفسیر القرآن بیروت: الاعلمی*.
۸. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸). *روابط بین الملل در اسلام*. قم: اسراء.
۹. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۱). *مفاتیح الحیاه*. قم: اسراء.
۱۰. حمیری، عبد الله بن جعفر، (۱۴۱۳). *قرب الإسناد*، قم: مؤسسه آل البيت ع
۱۱. حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵ق). *نور الثقلین* قم: اسماعیلیان
۱۲. دلپسند و همکاران، (۱۳۹۱). *حمایت اجتماعی و جرم فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی*، ش ۲: ۱۲۰-۸۹
۱۳. دیلمی، حسن بن محمد، (۱۴۱۲ق). *إرشاد القلوب إلى الصواب*. قم: الشریف الرضی.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*. بیروت: دارالقلم.
۱۵. سید رضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه*. (للصبحی صالح)، قم: هجرت.
۱۶. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: اسلامی.
۱۷. صدوق، محمد بن علی، (۱۳۷۲). *عیون اخبار الرضا (ع)*. ترجمه علی اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید، تهران: صدوق.
۱۸. صدوق، محمد بن علی، (۱۳۷۶). *الامالی*. تهران: کتابچی.
۱۹. صدوق، محمد بن علی، (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا (ع)*. تهران: جهان.
۲۰. صدوق، محمد بن علی، (۱۳۸۵). *علل الشرایع*. قم: داوری.
۲۱. صدوق، محمد بن علی، (۱۳۹۸ق). *التوحید*. قم: اسلامی.

۲۲. صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ق). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد* (ص). قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.

۲۳. عطاردی، عزیزالله، (۱۴۰۶). *مسند الامام رضا (ع)*. مشهد: آستان قدس رضوی

۲۴. فعالی، محمدتقی، (۱۳۹۲). *بخشش*. تهران: دارالصادقین.

۲۵. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، (۱۴۰۶ق). *الوافی*. اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین (ع).

۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۲۷. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار ائمه الاطهار*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

۲۸. معین، محمد، (۱۳۸۷). *فرهنگ فارسی* تهران: هنرور.

۲۹. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ الف). *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم: آل البيت.

۳۰. منسوب به امام حسن بن علی بن محمد (ع)، (۱۴۰۹ق). *التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري (ع)*. قم: مدرسه الإمام المهدي (عج).

۳۱. موحدا بطحی، سید محمدباقر، (۱۳۸۱). *الصهیفة الرضویه (ع) الجامعه*. قم: الامام المهدي (عج).

۳۲. موحدا بطحی، سید محمدباقر، بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله، (۱۴۱۳). *عوالم العلوم و المعارف و الاحوال*. ج ۲۰، قم: الامام المهدي (عج).

۳۳. موحدا بطحی، سید محمدباقر، بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله، (۱۴۳۰). *عوالم العلوم و المعارف و الاحوال*. ج ۲۲، قم: الامام المهدي (عج).

۳۴. ورام بن أبی فراس، مسعود بن عیسی، (۱۴۱۰) *تنبيه الخواطر و نزهه النواظر* المعروف بمجموعه ورام، قم: مکتبه فقیه